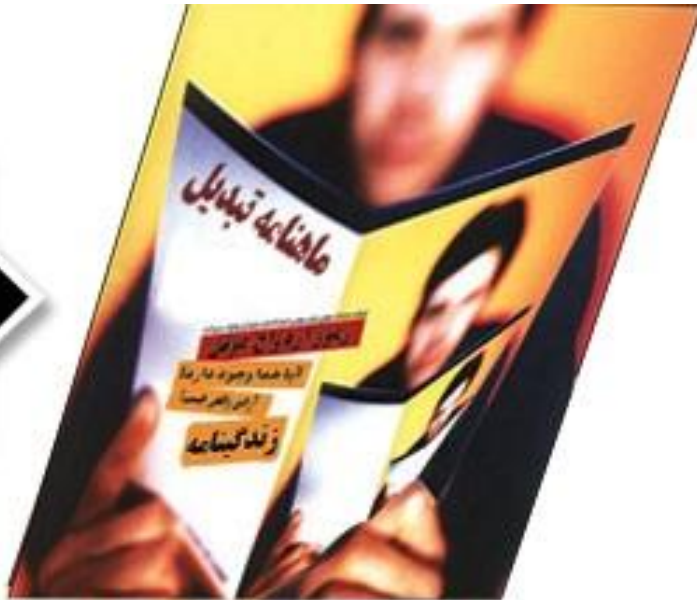




سال پنجم شماره ۴۹ نوامبر ۲۰۰۹



جلوگیری از برگزاری
جلسات روزهای جمعه
کلیسای جماعتی ربانی

قلب کسی را سوراخ نکن...

ادامه در صفحه ۲...

نتیجه تکان دهنده بررسی روسپیگری

ادامه در صفحه ۵...

ماهنامه تبدیل

تبدیل ۵ ساله شد!

تبدیل جان
تولد مبارک

طیب محبوب من

لحظات هیجان انگیزی بود. اهل مجلس در سکوت مطلق انتظار اتفاق ناگواری را میکشیدند. ناگهان آن دو نفر به جای کشتن سعیدخان او را در آغوش کشیده بوسیدند، زیرا دوست و همکلاس قدیمی بودند...
ادامه در صفحه ۷...

شفا، اراده و خواست خدا

نوشته کشیش رضا صفا
خواست خدا این است که هر یک از ما شخصاً از طریق کلام او آنچه که به آن نیاز داریم را بوسیله ایمان دریافت کنیم...
ادامه در صفحه ۳...

ماهنامه تبدیل

همیشه شاد باشید
پیوسته دعا کنید
در هر وضعی شکرگزار باشید



تبدیل و شما، شما و تبدیل در خدمت جامعه فارسی زبان

قلب کسی را سوراخ نکن!

یکی بود یکی نبود، یک بچه کوچک بد اخلاقی بود. پدرش به او یک کیسه پسر از میخ و یک چکش داد و گفت هر وقت عصبانی شدی، یک میخ به دیوار روبرو بکوب. روز اول پسرک مجبور شد ۳۷ میخ به دیوار روبرو بکوبد. در روزها و هفته‌های بعد که پسرک توانست خلق و خوی خود را کنترل کند و کمتر عصبانی شود، تعداد میخهایی که به دیوار کوفته بود رفته رفته کمتر شد. پسرک متوجه شد که آسانتر آن است که عصبانی شدن خودش را کنترل کند تا آنکه میخها را در دیوار سخت بکوبد. بالاخره به این ترتیب روزی رسید که پسرک دیگر عادت عصبانی شدن را ترک کرده بود و موضوع را به پدرش یادآوری کرد. پدر به او پیشنهاد کرد که حالا به ازاء هر روزی که عصبانی نشود، یکی از میخهایی را که در طول مدت گذشته به دیوار کوبیده بوده است را از دیوار بیرون بکشد. روزها گذشت تا بالاخره یک روز پسر جوان به پدرش رو کرد و گفت همه میخها را از دیوار در آورده است. پدر، دست پسرش را گرفت و به آن طرف دیواری که میخها بر روی آن کوبیده شده و سپس در آورده بود، برد. پدر رو به پسر کرد و گفت: دستت درد نکند، کار خوبی انجام دادی ولی به سوراخهایی که در دیوار به وجود آورده‌ای نگاه کن! این دیوار دیگر هیچوقت دیوار قبلی نخواهد بود. پسرم وقتی تو در حال عصبانیت چیزی را میگوئی مانند میخی است که بر دیوار دل طرف مقابل میکوبی. تو میتوانی چاقویی را به شخصی بزنی و آن را در آوری، مهم نیست تو چند مرتبه به شخص روبرو خواهی گفت معذرت می‌خواهم که آن کار را کرده‌ام، زخم چاقو کماکان بر بدن شخص روبرو خواهد ماند. یک زخم فیزیکی به همان بدی یک زخم شفاهی است. دوستها واقعا جواهرهای کمیابی هستند، آنها می‌توانند تو را بخنداند و تو را تشویق به دستیابی به موفقیت نمایند. آنها گوش جان به تو می‌سپارند و انتظار احترام مقابل دارند و آنها همیشه مایل هستند قلبشان را به روی ما بگشایند.



بکوبد. بالاخره به این ترتیب روزی رسید که پسرک دیگر عادت عصبانی شدن را ترک کرده بود و موضوع را به پدرش یادآوری کرد. پدر به او پیشنهاد کرد که حالا به ازاء هر روزی که عصبانی نشود، یکی از میخهایی را که در طول مدت گذشته به دیوار کوبیده بوده است را از دیوار بیرون بکشد. روزها گذشت تا بالاخره یک روز پسر جوان به پدرش رو کرد و گفت همه میخها را از دیوار در آورده است. پدر، دست پسرش را گرفت و به آن طرف دیواری که میخها بر روی آن کوبیده شده و سپس در آورده بود، برد. پدر رو به پسر کرد و گفت: دستت درد نکند، کار خوبی انجام دادی ولی به سوراخهایی که در دیوار به وجود آورده‌ای نگاه کن! این دیوار دیگر هیچوقت دیوار قبلی نخواهد بود. پسرم وقتی تو در حال عصبانیت چیزی را میگوئی مانند میخی است که بر دیوار دل طرف مقابل میکوبی. تو میتوانی چاقویی را به شخصی بزنی و آن را در آوری، مهم نیست تو چند مرتبه به شخص روبرو خواهی گفت معذرت می‌خواهم که آن کار را کرده‌ام، زخم چاقو کماکان بر بدن شخص روبرو خواهد ماند. یک زخم فیزیکی به همان بدی یک زخم شفاهی است. دوستها واقعا جواهرهای کمیابی هستند، آنها می‌توانند تو را بخنداند و تو را تشویق به دستیابی به موفقیت نمایند. آنها گوش جان به تو می‌سپارند و انتظار احترام مقابل دارند و آنها همیشه مایل هستند قلبشان را به روی ما بگشایند.

کارمند هواپیمایی سعودی ادعای پیامبری کرد

طبق گزارشی به نقل از خبر دانشجو، العالم با اعلام این خبر گفت: نیروهای پلیس مدینه یک عربستانی ۶۰ ساله را که ادعا می‌کرد پیامبر است و برای گسترش عدالت و تسامح بین مردم به منظور نجات آنها از مصیبتها و جنگها آمده است، بازداشت کردند. بعد از این که نتایج تحقیقات نشان داد که این شخص به علت فشارهای روانی دچار افسردگی شده است، نیروهای پلیس مدینه منوره او را به تیمارستانی در طائف منتقل کردند. این شخص قبلاً در خطوط هوایی عربستان کار می‌کرد و بعد از اینکه او را به اجبار بازتنه کرده بودند به علت فشارهای روانی دچار افسردگی شد.

آیا میدانستید تنها قسمت بدن که در آن خون جریان ندارد قرینه چشم است؟



پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت ۹ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت آدرس اینترنتی:

www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv

با چشمان خدا قضاوت کن

زیرا خدا تبعیض قائل نمی‌شود. رومیان ۱۱:۲، بله خدا برای کسی تبعیض قائل نمیشه، اما ما بعضی وقتها تبعیض قائل میشیم و بعدم بشیمون میشیم. لاقال من اینجوریم و از کاری که کردم بشیمون میشم و توبه میکنم. به روز که بان. از کار بشارت می‌اومدیم و هوا خیلی گرم بود تصمیم گرفتیم برای اینکه چند ساعتی از شر گرما خلاص بشیم بریم کنار دریا و به کم شنا کنیم! اونجا ۴ تا مرد جوان که خیلی شبیه ایرانیها بودن دیدیم ولی چون توی آب بودن تشخیص سخت بود. اصلاً حرف نمیزدن و اگر هم حرف میزدن صدای آب نمی‌گذاشت که ما بشنویم. دوستم گفت: فکر میکنی ایرانی! گفتیم: نمیدونم ولی پایه کلک... میشه فهمید. داد زد: آقا! ۴ تا شون برگشتن! ولی ما خودمونو زدیم به اون راه که یعنی ما نبودیم. بیچاره اون مونده بود بخنده یا از کار من خجالت بکشد. اون روز من خیلی به اونانگاه کردم و پیش خودم گفتم، اینا چی میدونن مسیح چه و از کلام خدا چی میفهمن! اینا اومدن اینجا تا تفریح کنند و آگه من برم و از کلام خدا صحبت کنم شاید منو هم سر کار بزارن! ... و اصلاً کلاس اینتا به این حرفها نمیخورم...

گذشت و رفتم خونه، بعد از ظهر اون روز همه رفتم بشارت دادن. اما من شب کمی به کار اون روزم فکر کردم و خدا هم از کلامش برام پیام داد: شما نبودید که مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و مقرر داشتم تا بروید و میوه آورید و میوه شما بماند، تا هر چه از پدر به نام من در خواست کنید به شما عطا کند (یوحنا ۱۵:۱۶). بله کلی بشیمون شدم که چرانرفتم و با اونا صحبت نکردم و حداقل به کتاب چرا بهشون ندادم. شاید اون روز کار خدا بوده که ما از گرما بریم دریا و اونا رو ببینیم. چند روزی از این قضیه گذشت و ما دوباره به کنار دریا رفتیم و دوباره اون ۴ نفر رو در همون جا دیدم. ایندفعه رفتم پیششون و باهاشون صحبت کردم و دیدم چقدر مشتاق مسیح هستند و شب باهاشون قرار گذاشتم و برایشون کتاب و سی دی بردم و بهشون ایمیل دادم و شماره تلفن دادم. اون شب چقدر خوشحال بودم که به بار دیگه خدا به من اجازه داد تا کلامش و به دست مشتاقش برسونم. کلام خدا میگه: چشمان خود را بگشایید و ببینید که کشتزارها آماده درواست (یوحنا ۳۵:۴). خدا نمیکه که مثلاً اول محصول مهم رو درو کنید و بعد محصولی که زیاد مهم نیست رو درو کنید. میگه که کشتزارها را درو کنید و ما نباید کسی رو از روی قیافه یا تحصیلات و یا غیره... جدا کنیم و پیام نجات رو بدیم و من کلی درس گرفتم از این قضیه. امیدوارم این شهادت من باعث برکت شده باشه و تمام جلال رو میدم به خداوندان عیسی مسیح و دعا میکنم به من و همه صبر و فروتنی عطا کنه. شهرام

تبدیل ۵ ساله شد.

هرگز از یاد نمی‌برم زمانی که تصمیم گرفتیم تا باری دیگر آن هم در غربت و اصطلاحاً دست خالی ماهنامه تبدیل را زیر چاپ ببریم. تنها پشتوانه ما رویا و هدفی بود که از سالهای دور با خود در دل داشتیم و تعدادی از دوستان خوب که همیشه و در همه حال ما را تشویق میکردند.

در طی تمام این سالها هدف ما در ماهنامه تبدیل تنها این بوده که بتوانیم بعنوان عضوی از خانواده فارسی زبان به نوعی در خدمت جامعه خود باشیم. اگر چه در این راستا از فراز و نشیبهای بسیاری عبور کردیم اما تلاش ما همواره خدمت به شما خوانان و بدون هیچ چشم داشتی بوده است. ما این امر را مقدس و بسیاری جدی تلقی می‌کنیم و مصمم هستیم تا این رسالت را به بهترین نحو ممکن ادامه دهیم. آری، ما این را از خداوند خود آموخته‌ایم که در کلام خود میفرماید همه چیز (کار) را با شایستگی و انتظام و برای جلال خدا انجام دهید. ما در ماهنامه تبدیل همواره تلاش بر این داشته‌ایم که این موضوع را تا حد ممکن رعایت کنیم و در همین راستا صمیمانه از شما دوستان تقاضا می‌کنیم تا ما را یاری و راهنمایی نمایید.

عزیزان، من ایمان دارم که آنچه را خدا شروع کرده، به کمال خواهد رساند. اما سؤال اینجاست که آیا من و شما مایل هستیم در کار او سهمی داشته باشیم؟

دوستان، با آغاز پنجمین سال ماهنامه تبدیل من صمیمانه از شما دعوت می‌کنم تا با ما و کاری که خدا به وسیله این نشریه انجام می‌دهد همکار و همگام شوید. در حال حاضر هزاران نفر در مناطق مختلف دنیا چه از طریق نسخه چاپی و چه از طریق نسخه الکترونیکی این ماهنامه را به صورت رایگان دریافت می‌کنند. هدف ما در سال آتی ارتقای این تعداد از خوانندگان است. چنانچه مایل هستید در هر زمینه با ما همکاری کنید و ماهنامه تبدیل را به بسیاری از همزبانان خود هدیه بدهید، با آغوشی باز دستان شما را می‌فشاریم.

من و همکارانم در دفتر ماهنامه در خدمت شما هستیم.

با آرزوی سالی پر بارتر برای ماهنامه تبدیل
لس آنجلس نوامبر ۲۰۰۹
النانان باغستانی

هدایای مالی شما باعث طرقي ماهنامه تبدیل خواهد بود.

برای رفاه حال شما عزیزان سرویس کارتهای اعتباری نیز فراهم می‌باشد. کمک مالی شامل معافیت مالی خواهد بود.

ماهنامه تبدیل

مدیر مسئول: النان باغستانی

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

ویراستار: نازنین باغستانی

مدیر بازرگانی: ژالنتین اسمانیلیان

TEL: 818. 522.1525

Tabdil@IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.Tabdilmagazine.blogfa.com

Iran for Christ Ministries

P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

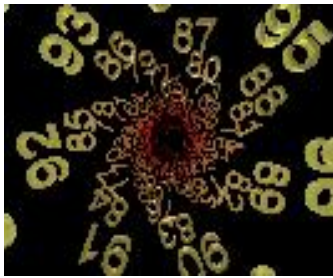
این ماهنامه حق دارد که مقالات و آنگهی‌ها را چاپ کرده و یاد کند

نوامبر ۲۰۰۹

شماره ۴۹

سال پنجم





عدد ۳: ۲/۱

عددی که اعلان کننده کلام خدا در میان محنت می باشد. در طول عهدعتیق، یک دوره ۳: ۲/۱ سال وجود داشت که قوم خدا نمیتوانند هرگز فراموش کنند. دوره خشکسالی که پادشاه شریر اخاب و همسرش ایزابل انبیای خدا را جفا رساندند در حالیکه ایلیا و ۷۰۰ پیامبر دیگر در حضوریت بعل زانو نزدند. با مقایسه اول پادشاهان بابهای ۱۷-۱۹، یعقوب ۵: ۱۷ و مکاشفه ۱۱: ۶ می توانیم ببینیم که یوحنا به این ۳: ۲/۱ سال فکر میکرد. عدد ۳: ۲/۱ همچنین زمانی، زمان و نصف زمان (۱۲: ۱۴)، ۴۲ ماه (۱۱: ۳۲، ۵: ۵) و عدد ۱۲۶۰ روز (۱۱: ۳، ۱۲: ۶) را مشخص می سازد. (۱۲: ۵، ۱۲: ۶) بطور واضح نشان میدهد که این دوره با آمدن اولیه مسیح شروع میشود (۱۱: ۲-۱۲) دوره خیلی کوتاه جفا، درست قبل از آمدن ثانویه مسیح پایان مییابد. بنابراین در کتاب مکاشفه عدد ۳: ۲/۱ سال بطورنمادین کل دوره بین آمدن اولیه و ثانویه مسیح را نشان میدهد که همزمان با دوره محنت و جفای کلیسای مسیحی (یوحنا: ۱۸-۱۹، ۲۱-۲۳، ۱۶) و دوره اعلان انجیل با تمام قدرت در همه دنیا می باشد (۱۱: ۷، ۱۴-۱۴). این دوران بلافاصله با یک دوره خیلی کوتاه ۳: ۲/۱ روز دنبال می شود، که در طول آن وحش از هاویه پائین می آید و دو شاهد را خواهد کشت و صدای انجیل را مسکوت خواهد کرد (۱۱: ۷، ۱۳-۱۱: ۷). وحشی که از هاویه می آید (۱۱: ۷) دنیای غیرمسیحی را در مرحله نهایی اش نشان می دهد.

آیا میخواهید آزادی واقعی پایدار باشد؟

خود را آماده کنید و خداوند را بطلید، آری این است آزادی ماندنی، کتاب مقدس می فرماید...
خداوند روح است و جایی که روح خدا است آنجا آزادی است. آزادی به داشتن انتخاب های مختلف در مورد انجام کاری به این معنی است که اگر شخصی بخواهد آن را انجام دهد، هیچ چیز نباید او را از انجام آن کار باز دارد و اگر نخواهد آن را انجام دهد هیچ چیز نباید او را مجبور به انجام آن کند. در طول تاریخ، انسانهای زیادی برای آزادی، به پرداخت کردند و همچنین این راه ادامه دارند. این راه تا بازگشت خداوندان عیسی مسیح ادامه دارد.

آزادی که عیسی مسیح به ما بخشید از آن این دنیا و در این دنیا نیست، وعده های بسیار زیبای او برای جهانی بدون اشک و درد و غم و در کنار او خواهد بود: همراه با آزادی پایدار، آزادی پرشکوه و والا ایی که زیر نبایش در محبت عیسی مسیح است.



۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

شفا، اراده و خواست خدا



کمیسیون رضایضا به قلب

شفا جسمی چگونه اتفاق می افتد؟

برای اینکه ما درک کنیم شفای جسم چگونه اتفاق می افتد ابتدا باید چند مورد بسیار مهم را درک کنیم.

اول کلام خدا:

در عبرانیان فصل ۱۱ آیه ۳ می خوانیم: *از راه ایمان، ما می می بریم که کائنات چگونه با*

کلام خدا خلقت یافت به طوری که آنچه دیدنی است از آنچه نادیدنی است به وجود آمد. هر کاری که خدا انجام می دهد از طریق کلام خود انجام می دهد. خدا بدون کلام هیچ کاری انجام نمی دهد. شروع هر خلقت خدا ابتدا کلمه خدا است. در عهدعتیق و کتاب پیدایش فصل ۱ می خوانیم که خدا چطور تمام آفرینش را بوسیله یک کلمه آفرید. خدا گفت روشنایی بشود و میلیونها ستاره در آسمان خلق شد. خدا گفت و آنچه او گفت، شد. پس برای اینکه یک معجزه اتفاق بیفتد، باید یک کلمه خدا گفته شود. بدون کلام خدا هیچ معجزه ای نخواهد شد. عیسی خداوند از این طریق افراد را شفا داد. در انجیل متی فصل ۸ آیات ۱۴ الی ۱۷ می خوانیم: *وقتی عیسی به خانه پطرس رفت، مادر زن پطرس را دید که در بستر خوابیده است و تب دارد. عیسی دست او را لمس کرد. تب او قطع شد و برخاسته به پذیرایی عیسی پرداخت. همین که غروب شد، بسیاری از دیوانگان را نزد او آوردند و او با گفتن یک کلمه دیوها را بیرون می کرد و تمام بیماران را شفا می داد.* در نظر داشته باشید که آیه ۱۶ می گوید: *او با گفتن یک کلمه تمام بیماران را شفا داد.* پس برای اینکه ما شفای خود را از خداوند دریافت کنیم باید از او یک کلمه یا یک وعده دریافت کنیم و روی آن وعده با ایمان باستیم و در آن وعده و کلام شک نکنیم. وقتی ما روی وعده های خدا می ایستیم و با ایمان آنچه را که خدا به ما وعده داده است دریافت می کنیم از این طریق ما هم ذات خدا می شویم و در ذات الهی شریک گشته و در ایمانمان رشد کرده و قوی خواهیم شد.

بسیاری هستند که ایمانشان را روی فرد ایماندار دیگری می گذارند و آرزویشان این است که از طریق ایمان دیگران شفا بگیرند. این طریق خواست کامل خدا برای ما ایمانداران نیست. خواست خدا این است که هر یک از ما شخصاً از طریق کلام او آنچه که به آن نیاز داریم را بوسیله ایمان دریافت کنیم. این امتیازی است که شامل حال هر ایماندار می شود که از طریق ایمان به وعده خدا صاحب برکات بشود و نه اینکه همیشه یک نفر دیگر به او کمک کند. زیرا که بوسیله دریافت این وعده ها در کتابمقدس بوسیله ایمان ما هم دارای ذات الهی خواهیم شد. خدا هیچ فرقی بین فرزندان خود قائل نمی شود. در حضور او همه ما یکسان هستیم و یک حق فرزندی داریم. همه ما به وسیله خون مسیح آزاد شده ایم و به وسیله او این رهایی عظیم را در یافت کرده ایم. هر فرد ایماندار می تواند بوسیله ایمان به کلام او تمام وعده ها و برکات الهی را دریافت کند. خدا ما را به وسیله مسیح از جنگ نیرومند ظلمت رهانیده و به پادشاهی پسر عزیز خود عیسی خداوند منتقل ساخته و به وسیله خون اوست که ما آزاد و از تمام گناهانمان بخشیده شده ایم. وقتی مسیح روی صلیب جان خود را کفاره گناهانمان کرد ما را از لعنت شریعت آزاد کرد. او به جای ما مرد! وقتی که مسیح روی صلیب رفت تمام گناهان و مدارکی که بر ضد ما بود بر روی صلیب خود میخکوب کرد. طبق قانون خدا ما گناهکار بودیم، معجز بودیم و روزی باید مجازات گناهانمان را می پرداختیم. مسیح به عوض ما اینکار را کرد. نه تنها جریمه ما را پرداخت، بلکه هر چیزی را که قانوناً (از دید الهی) بر ضد ما بود و کلیه اسناد جرم ما را بر روی صلیب خود میخکوب کرد. انجیل در رساله به کولسیان فصل ۲ آیات ۱۴ و ۱۵ میفرماید: *او سند محکومیت ما را همراه با تمام مقرراتی که علیه ما بود، لغو کرد و آن را به صلیب خود میخکوب نموده، از بین برد.*



زندگی روزانه خود را برنامه ریزی کنید. ساعات مشخصی را برای فعالیت های مختلف در نظر بگیرید. برنامه مشخص خود عامل ایجاد امنیت است زیرا که ما می دانیم درصدد انجام چه کاری هستیم. بسیاری از اوقات عناصر غیرقابل پیش بینی که غالباً در نتیجه نداشتن برنامه خاص به وجود می آیند، عامل ایجاد ترس هستند. اگر بتوانید آنچه را که قابل کنترل است را انجام دهید (برنامه ریزی)، آنگاه توان رویارویی شما با عناصر غیر قابل کنترل بیشتر می شود.

اگر ترس منجر به آسیب های جدی به سلامتی شخص می شود، باید از فنون آرامش بخش استفاده شود. کتابخانه ها معمولاً حاوی کتبی پیرامون این تکنیک ها و فنون هستند.

در مواقع بحران، حقایق روحانی که تحت هر شرایطی تغییر نمی کنند کمک بزرگی به شخص می نمایند. این حقایق علاوه بر حس امنیت به ما دلیلی برای زندگی و امید داشتن می دهند، اگر شما دلیلی برای امید و زندگی ندارید با یک شبان کلیسا مشورت کنید و یا کتاب مقدس را مطالعه نمایید. کتاب مزامیر به طور خاص پیرامون بحران های اشخاص صحبت می کند.

اگر ترسی که با آن روبرو هستیم در فکر ما ریشه دارد تا در خارج از آن، به عبارت دیگر، اگر خطری واقعی در بیرون ما را تهدید نمی کند و ما صرفاً از خطری تخیلی در ذهنمان می ترسیم، بهترین پادزهر انجام دادن آن است. فراموش نکنید که باید قدم به قدم و مرحله به مرحله با ترس ها روبرو شد. نباید به یکباره بخواهید ترس از سخن گفتن در جمع را با سخنرانی در تالاری بزرگ رفع کنید. اول از گروه های کوچک و اشخاصی که با آنها آشنایی شروع کنید. مواجه شدن با ترس ها یک فرایند و روند است.



شکر می کنم که هر روز اعتماد و ایمانم به خدا رو به افزایش است از اینکه هر روز وقت فراوان دارم واقعاً خدا را شکر می کنم از بابت زنده بودنم خدا را شکر می کنم از اینکه هر روز پیشرفت و رشد می کنم خدا را شکر می کنم از بابت اینکه گذشته را رها می کنم و میگذارم موارد جدید وارد زندگی شود خدا را شکر می کنم

